کیهان

جایگاه رزق در زندگی از منظر اسلام

■ محسن دهقان بنادکی

در نوشتار حاضر تعریف رزق، اقسام رزق و فلسفه وسعت و تنگی رزق از منظر آیات و روایات تبیین شده است.

*** پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «به درستی که خداوند تبارک و تعالی روزی‌ها را در بین مردم به صورت حلال تقسیم کرده است و به صورت حرام تقسیم نکرده است. پس کسی که تقوای الهی پیشه کرده و صبر کند، خداوند از راه حلال به او روزی می‌دهد و کسی که پرده عفاف را پاره کرده و عجله کند و از راه غیر حلال رزق خود را به دست آورد در مقابل از رزق حلال او کاسته می‌شود و در قیامت نیز محاسبه می‌شود».**

***

خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «وَ ما مِنْ دابَّة فِی الاَرْضِ اِلاَّ عَلَی الله رِزْقُها وَ یَعْلَمُ مُسْتَقَرَّها وَ مُسْتَوْدَعَها کُلٌّ فی کِتابٍ مُبینٍ» «و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! و قرارگاه و محـل نقل و انتقالش را می‌داند همه اینها در کتاب آشـکاری در لوح محفوظ، کتاب علم خدا ثبت است». (هود ـ ۶)

از آنجایی که زندگی انسـان منحصر در این عالم مادی نیست و این دنیا مرحله‌ای از حیات بشر را تشکیل می‌دهد و مراحل دیگری در زندگی انسـان وجود دارد که عبارتند از: مرحله برزخ، مرحله قیامت و بهشت یا دوزخ، لذا در تقسیم رزق باید توجه داشت که آنچه خداوند متعال برای انسـان‌ها از رزق و روزی مقدّر داشته است منحصر در عالم دنیا نخواهد بود و عالم برزخ و عالم آخرت را نیز شامل می‌شود.

با دمیده شـدن نفخه الهی در کالبد انسان همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ نَفَخْتُ فیهِ مِنْ رُوحی» «و از روح خود در او دمیدم» (حجر ـ ۲۹) زندگی انسان به زندگی مادی و معنوی و حیات او به حیات دنیایی و آخرتی تقسیم می‌شود، و هر کدام از این مراحل خواسته‌ها و اقتضائاتی دارد که خداوند متعال که رازق تمامی موجودات اسـت و به قول قرآن کریم در سـوره مبارکه ذاریات: «اِنَّ اللهَ هُـوَ الرَّزّاقُ ذُو الْقُوَّةِالْمَتِین» «به درستی یگانه رزاق و دارای قوت و متانت خداست» (ذاریات ـ ۵۸) به این خواسته‌ها و نیازها پاسخ مناسب داده است.

تعریف رزق

جوهری می‌نویسد: «الرزق ما ینتفع به و الجمع الارزاق و الرزق العطأ» «رزق چیزی اسـت که از آن نفع برده می‌شـود و جمع آن ارزاق است. رزق عطا بخشـش است» (جوهری، صحاح‌اللغة، جزء چهارم ماده رزق، ص ۱۴۸۱) راغب اصفهانی می‌گوید: رزق بخشش مداوم و پیوسته است که گاهی دنیوی و زمانی اخروی است.

و گاهی نصیب و بهره را نیز رزق می‌گویند. و همچنین به چیزی که به معده می‌رسد و با آن تغذیه می‌شود رزق می‌گویند. ایشان برای موارد مختلف مثال می‌زنند:

الف) رزق الجند: یعنی جیره و حقوق سربازان (رزق مادی)

ب) رُزِقْتُ عِلْماً: از نظر دانش بهره‌مند شدم (رزق معنوی)

ابن منظور در لسـان‌العرب آورده است که معنای رزق شناخته شده است و ما دو نوع رزق داریم:

۱. نوع اول رزق ظاهری اسـت، مثل اقوات و غذاها که برای بدن و جسم می‌باشد.

۲. نوع دوم رزق باطنی اسـت، مانند معارف و علوم که غذای قلب و جان می‌باشد. (ابن منظور، لسان العرب ،ج ۳، ص ۶۶)

اقسام رزق

رزق خداوند همانند رحمت او عام و خاص دارد، رزق خاص شـامل مؤمنین و خداپرستان می‌شود که از راه حلال به دست می‌آید.

و رزق عام همه انسـان‌ها و مخلوقـات را در بر می‌گیرد خواه ظالم باشند یا کافر باشند یا غاصب، و لذا مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: رزق عطیه اسـت و رحمت اسـت و همانطور که رحمت خدا دو قسم است: ۱- رحمت عمومی ۲- رحمت خاصه. رزق هم دو قسم است: رزق عمومی و رزق خاصه.

الف) رزق عمومی عطیه عام الهی اسـت و تمامی روزی‌خواران را در بقای هستی امداد می‌کند.

ب) رزق خاص اسـت که در مجرای حلال واقع می‌شود. هم رحمت و هم رزق چه عمومی و چه خاصه مکتوب و مقدّر اسـت. (المیزان، ج ۳، ص ۱۴۱)

فرق رحمت و رزق

با مطالعه در معنای رحمت به این نتیجه می‌رسیم که کلمه رحمت در مواردی به معنای رزق و در مواردی به معنای نعمت استعمال می‌شود. و در مواردی نیز به معنای عفو و غفران می‌آید.

گاهی (رحمت) در نزد مفسرین به نبوت تفسیر شده است.

طریحـی در مجمع‌البحرین می‌گویـد: رحمت در اسـتعمال مـردم عرب زبان بـه معنای دل نازکی و مهربانی است و در مورد خداوند به معنای مهربانی و نیکی کردن و رزق دادن و احسان نمودن می‌آید. (طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۶۸۶)

در بعضی از آیات نیز در مورد عفو و غفران به کار رفته است. به طور مثال در آیه «إِنَّ رَحْمَتَ اللهِ قَرِیبٌ مِّنَ الْمُحْسِـنِین» «چون رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است». (اعراف ـ ۵۶) به معنای عفو خداوند و غفران او می‌باشد.

ابن منظور از قول ازهری و او از عکرمهٔ نقل می‌کند که (رحمت)گاهی به معنای رزق می‌آید.

از جمله در آیه «وَ إِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغاءَ رَحْمَهٔ مِنْ رَبِّکَ تَرْجُوها فَقُلْ لَهُمْ قَوْلاً مَیْسُـوراً» «و هر گاه از آنان [مستمندان] روی برتابی، و انتظار رحمت پروردگارت را داشـته باشی (تا گشایشی در کارت پدید آید و به آنها کمک کنی)، با گفتار نرم و آمیخته با لطف با آنها سخن بگو!» (اسراء ـ ۲۸) رحمت به معنای رزق می‌باشد.

و در آیـه «وَ لَئِـنِ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا» (فصلت ـ ۵۰) رحمت به معنی رزق می‌باشـد. و گاهی رحمت به معنای مغفـرت می‌آید. (ابن منظور، لسان‌العرب، ج ۳، ص۵۲)

امین الاسلام طبرسی در تفسیر آیه «أُوْلَئِکَ عَلَیْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ رَحْمَهٔ» (بقره ـ ۱۵۷) می‌فرماید: رحمت در اینجا به معنای نعمت است.

ایشـان می‌فرماید: رحمت به معنای نعمت بر محتاج می‌باشد و هر شـخصی به نعمت خداوند در دنیا و آخرت نیازمند اسـت. (طبرسـی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۴۴۲)

رزق حلال و حرام

الف) رزق حلال

از آیات متعدد قرآن اسـتفاده می‌شود که رزق خداوند حلال است. از جمله در سـوره مائده می‌فرماید: «وَ کُلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ الله حَلالاً طَیِّباً وَ اتَّقُوا اللهَ الَّذی أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» «بخورید از آنچه خداوند روزی شما کرده است که حلال و پاکیزه است و نسبت به خدایی که به او ایمان آورده‌اید تقوی پیشه کنید». (مائده ـ ۸۸)

پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «فَاِنَّ اللهَ تبارک و تعالی قَسَّمَ الاَرْزاقَ بَیْنَ خَلْقِهِ حَلالاً، وَ لَمْ یُقَسِّـمها حَراماً فَمَنِ اتّقی اللهَ وَ صَبَرَ اَتاهُ الله بِرِزْقِهِ مِنْ حِلِّهِ، وَ مَنْ هَتَکَ حِجابَ السِّـتْرِ وَ عَجَّلَ فَأَخَذَهُ مِنْ غَیْرِ حِلِّهِ قُصَّ بِهِ مِنْ رِزْقِهِ الْحَلالِ وَ حُوسِـبَ عَلَیْهِ یَوْمَ الْقِیامَ» «به درستی که خداوند تبارک و تعالی روزی‌ها را در بین مردم به صورت حلال تقسیم کرده است و به صورت حرام تقسیم نکرده است. پس کسی که تقوای الهی پیشه کرده و صبر کند، خداوند از راه حلال به او روزی می‌دهد و کسی که پرده عفاف را پاره کرده و عجله کند و از راه غیر حلال رزق خود را به دست آورد در مقابل از رزق حلال او کاسته می‌شود و در قیامت نیز محاسبه می‌شود». (شیخ حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷)

ب) رزق حرام

قـال الرضا(ع): «اتَّقِ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ وَ أَجْمِلْ فِی الطَّلَبِ وَ اخْفِضْ فِی الْکَسْبِ وَاعْلَمْ أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ فَرِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَ رِزْقٌ یَطْلُبُکَ فَأَمَّا الَّذِی تَطْلُبُهُ فَاطْلُبْهُ مِنْ حَلالٍ فَإِنَّ أَکْلَهُ حَلَالٌ إِنْ طَلَبْتَهُ فِی وَجْهِهِ وَ إِلاَّ أَکَلْتَهُ حَرَاماً وَ هُوَ رِزْقُکَ لابُدَّ لَکَ مِنْ أَکْلِهِ». «امام رضا(ع) می‌فرمایند: در طلب رزق تقوا پیشـه کن و به اختصار راضی باش و در کسب مال، دستِ پایین را بگیر و بدان که رزق دو نوع است؛ رزقی که به دنبال تو است و رزقی که تو به دنبال آن هستی، پس آن رزقی که تو به دنبال آن هستی، از طریق حلال آن را دنبال کن که اگر آن را از راه درست طلب کرده باشی برایت حلال است و إلاّ اگر از راه حرام به‌دست آورده باشـی، استفاده از آن حرام اسـت، از طرفی آن رزق تو است - چه حـلال، چه حرام - و حتماً تو از آن اسـتفاده خواهی کرد». (محدث نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۷)

توجه بفرمایید چگونه حضرت رضـا(ع) در آخر این روایت تأکید می‌کننـد آن رزقی هم که به صورت حـرام مصرف کرده‌ای، چیزی جز رزق تو نبوده اسـت مگر اینکه آن را به صورت حرام به‌دسـت آوردی و مصرف نمودی و در نتیجه حالا باید حساب حرام‌خواریِ آن را بدهی لذا است که در حدیث ذیل، وجود مقدس پیامبرِ(ص) ما را متذکر همین نکتهٔ اخیر می‌کنند و می‌فرمایند:

«ألا إنَّ الرُّوحَ الأمِینَ نَفَثَ فِی رُوعِی أَنَّهُ لا تَمُوتُ نَفْسٌ حَتَّی تَسْتَکْمِلَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا الله وَ أَجْمِلُوا فِی الطَّلَبِ وَ لا یَحْمِلَنَّکُمُ اسْتِبْطَاءُ شَیْءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ تَطْلُبُوهُ بِشَیْءٍ مِنْ مَعْصِیَةِالله فَإِنَّ اللهَ تَعَالَی لا یُنَالُ مَا عِنْدَهُ إِلاَّ بِطَاعَتِه، قَدْ قَسَّـمَ الأَرْزَاقَ بَیْنَ خَلْقِه فَمَنْ هَتَکَ حِجَابَ السَّتْرِ وَ عَجَّلَ فَأَخَذَهُ مِنْ غَیْرِ حِلِّهِ قُصَّ بِهِ مِنْ رِزْقِهِ الْحَلَالِ وَ حُوسِـبَ عَلَیْهِ یَوْمَ الْقِیَامَة». «بدانید کـه جبرائیل در روح من دمید که هیچ‌کس نمی‌میرد مگر اینکه رزقش را به طور کامل به‌دست می‌آورد، پس تقوای الهی پیشه کنید و در طلب رزق، حریص نباشید و دیر رسیدن رزق، شما را جهت به‌دست‌آوردن آن به معصیت خدا نیندازد، چرا که آنچه در نزد خدای تعالی است به‌دست نمی‌آید مگر به طاعت، حقیقت این است که خداوند ارزاق را بین خلقش تقسـیم نمود، پس هرکس به حریم الهی بی‌حرمتی کند و عجله نماید و از طریق غیرحلال آن را به‌دسـت آورد، رزق حلالش قطع می‌شود در حالی‌که حساب آن رزق حرام را باید در قیامت پس دهد». (محدث نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۸)

مقسِّم رزق

بعضی آیات دیگر این مطلب را ثابت می‌کند، تقسیم رزق نیز به دست خداوند می‌باشد و اوست که روزی مخلوقات را از روی مصلحت و حکمت برای آنها تعیین کرده و در بین آنها تقسـیم می‌کند. با مطالعه در آیات قرآن کریم و روایات معصومین؛ به این واقعیت بیشتر پی می‌بریم. از جمله آیاتی که به این نکته توجه می‌دهد، این آیه شریفه است:

قوله تعالی: «أَهُمْ یَقْسِمُونَ رَحْمة رَبِّکَ نَحْنُ قَسَمْنا بَیْنَهُمْ مَعیشَتَهُمْ فِـی الْحَیوْة الدُّنْیا وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْض دَرَجاتٍ لیتّخذ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِیّاً وَ رَحْمَة رَبِّکَ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُونَ» «آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسـیم می‌کنند؟ ما معیشـت آنها را در حیات دنیا در میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسـخر کرده و با هم تعاون نمایند؛ و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند بهتر است!» (زخرف ـ ۳۲)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه می‌فرماید: و دلیل بر اینکه اختیار ارزاق و معیشـت‌ها به دست انسان نیست، اختلاف افراد مردم در دارایی و فقر و عافیت و صحت و اولاد و سـایر چیزهایی اسـت که رزق شمرده می‌شود، با اینکه هر فرد از افراد بشر را که در نظر بگیری می‌بینی که او هم می‌خواهد از ارزاق نهایت درجه‌اش را که دیگر بیش از آن تصور ندارد دارا باشد. اما می‌بینیم که هیچ یک از افراد به چنین آرزویی نمی‌رسند، و به همه آنچه که آرزومندند و آنچه دوسـت می‌دارند نائل نمی‌شوند. از اینجا می‌فهمیم که ارزاق به دست انسان نیست. چون اگر می‌بود هیچ فرد فقیر و مختلف و متفاوت پیدا نمی‌شد، پس اختلافی که در آنان می‌بینیم روشن‌ترین دلیل است بر اینکه رزق دنیا به وسیله مشیتی از خدا در بین خلق تقسیم شده نه به مشیت انسان. (المیزان، ج ۱۸، ص ۹۹)

از بعضی روایات اسـتفاده می‌شـود که خداوند متعال امر دین را به پیامبر(ص) و امر خلق و رزق را خود به عهده گرفته است.

مرحوم مجلسـی در (بحارالانوار، ج۱۷، ص ۷) از یاسـر الخادم نقل می‌کنـد که او می‌گویـد به امام رضا(ع) عرض کردم نظر شما در مورد تفویض چیسـت؟ حضرت فرمود: خداوند امـر دینش را به پیامبر(ص) واگذار کرده اسـت، پس فرمود: «وَ مَا ءَاتَئکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَـا نهَئکُمْ عَنْهُ فَانتَهُوا» «و هر دستوری که رسول به شما داد بگیرید و از هر گناهی نهیتان کرد آن را ترک کنید». (حشر ـ ۷)

اما امر خلق کردن و روزی دادن را خودش به عهده گرفته است و در قرآن فرموده اسـت «اللَّهُ الَّذی خَلَقَکُمْ ثُمَّ رَزَقَکُمْ ثُمَّ یُمیتُکُمْ ثُمَّ یُحْییکُمْ هَلْ مِن شُـرَکَائکُم مَّن یَفْعَلُ مِن ذَالِکُم مِّن شَـیْءٍ سُبْحَنَهُ وَ تَعَلیَ عَمَّا یُشْـرِکُون» «خدا است آن کسی که شما را خلق کرد و سپس روزی داد آن گاه همو اسـت که شـما را می‌میراند و سپس زنده می‌کند آیا کسی از خدایان شـما هست که چنین کارها کند، منزه و متعالی است خدا از شرکی که به وی می‌ورزند». (روم ـ ۴۰)

حضرت علی(ع) در جـای دیگر می‌فرماید: «و قدّر الارزاق فکثّرها و قلّلها و قسّمها عَلَی الضّیقِ وَ السَّعَهٔ» «روزی انسان‌ها را اندازه‌گیری و مقدّر فرمود، گاهی کم و زمانی زیاد و به تنگی و وسـعت تقسـیم کرد.» (نهج البلاغه، خطبه ۹۱)

در روایت آمده است که شخصی به امام صادق(ع) عرض کرد: جعلتُ فداک از خدا بخواه که مرا از خلقشِ بی‌نیاز کند. امام صادق(ع) در جوابش فرمود: «اِنَّ اللهَ قَسَّـمَ رِزْقَ مَنْ شـأَ عَلی یَدَیْ مَنْ شأَ وَ لکِنْ أَسْأَلُ اللهَ اَنْ یُغْنِیَکَ عَنِ الْحاجَةِ الَّتی تَضْطُرُکَ اِلی لِئامِ خَلْقِهِ» «یعنی به درسـتی که خداوند رزق را تقسـیم کرده اسـت و رزق هر کسی را به دست شخص دیگری آن طوری که خودش خواسـته است قرار داده است، و این طور نیست که انسان از خلق خدا بی‌نیاز باشد. ولی من از خدا می‌خواهم که تو را از حاجتی که سـبب شود از روی ناچاری به سوی انسان‌های پست دست دراز کنی بی‌نیاز سازد». (بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۴)

فلسفه وسعت و تنگی رزق

در زندگی دنیایی مشاهده می‌کنیم که بعضی از انسان‌ها از وسعت رزق و روزی برخوردار هستند و بعضی دیگر در تنگی رزق و سختی زندگی به سر می‌برند. اولین سؤالی که به ذهن انسان می‌رسد این است: اگر تقسیم رزق به دست خداوند است و خداوند هم عادل است چرا باید بعضی افراد از نعمت‌های سرشـاری برخوردار باشـند و بعضی دیگر در نهایت فقر و سختی امورات خود را سپری نمایند؟

از آنجا که این مسئله به دست خداوند است و خداوند تقسیم کننده رزق و روزی می‌باشد ابتدا باید آیات قرآن را در این زمینه بررسی کنیم. در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که در مورد بسط رزق و تقدیر آن بحث کرده است در اینجا به بعضی از این آیات اشاره می‌کنیم.

قوله تعالی: «لَهُ مَقالیدُ السَّـمواتِ وَ الاَرْضِ یَبْسُـطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشأُ وَ یَقْدِرُ اِنَّهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلیمٌ»

«کلیدهای آسـمان‌ها و زمین از آن اوست. برای هر کس که بخواهد روزی را گشـاده یا تنگ می‌گرداند. اوسـت که بر هر چیزی دانا است». (شوری ـ ۴۲)

امین‌الاسلام طبرسی می‌فرماید: منظور از مقالید، مفاتیح و کلیدهای ارزاق آسمان و زمین واسباب آنها می‌باشد. پس باران به امر خداوند می‌بارد و زمین هم به اذن خداوند سبز می‌شود. بعضی هم گفته‌اند منظور خزائن و گنجینه‌های آسمان و زمین می‌باشد. (طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۳۷)

علامه طباطبایی می‌فرماید: اثبات مقالید برای آسمان‌ها و زمین دلالت دارد بر اینکه آسمان‌ها و زمین گنجینه‌هایی هستند برای آنچه در عالم به ظهور می‌رسد. وی در ادامه می‌فرماید: بسط دادن رزق به معنای توسعه آن است و (قدر رزق) به معنای تضییق آن می‌باشد... و اگر در آخر فرمود «انه بکل شئ علیم» تا اشاره کند به اینکه مسئله رزق و وسعت و تنگی آن بی‌حساب و از روی جهل و گزاف نیست، بلکه از روی علم است، چون خدای عالم به هر چیزی می‌داند که به هر روزی خواری چه رزقی بدهد، و چقدر بدهد، آنقدر که حال او اقتضا می‌کند و آن رزقی را بدهد که حال رزق اقتضا دارد به آن روزی خوار برسد، و نه تنها حال رزق و روزی خوار را در نظـر دارد، بلکه اوضاع و احوال خارجی را هم که ارتباطی با رزق و روزی دارند در نظر می‌گیرد و این همان حکمت است. پس خدا اگر رزق کسـی را فراخ و بر کسـی تنگ می‌گیرد، حکمتش آن را اقتضاً می‌کند. (المیزان، ج ۱۸، ص ۱۷)

خداوند متعال در آیه ۳۹ از سوره مبارکه سبأ می‌فرماید: «قُلْ اِنَّ رَبّی یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشأُ مِنْ عِبادِهِ وَ یَقْدِرُ لَهُ وَ ما اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَیءٍ فَهُوَ یُخْلِفُهُ وَ هُوَ خَیْرُ الرّازِقینَ» «بگو در حقیقت، پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشـاده یا برای او تنگ می‌گرداند. و هر چه را انفاق کردید عوضش را می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است».

امین‌الاسـلام طبرسی می‌فرماید: هر آنچه از اموال خود را در راه‌های خیر خرج کنید خداوند عوض آن را به شـما می‌دهد. یا در دنیا به شما عوض می‌دهد به زیادی نعمت، یا در آخرت عوض می‌دهد به ثواب بهشت. وقتی که گفته شـود «أَخْلَفَ اللهُ لَهُ وَ عَلَیْهِ» منظور این است که خداوند بدل آنچه را که از دسـت او رفته اسـت به او می‌دهد. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۲۲۲)

رزق در زندگی

امام علی(ع) در دستوراتی که به فرزندشان می‌دهند در واقع می‌خواهند از آن طریق بندهای توقّف در دنیا و افکار محرومیت از حق، را در ما از بین ببرند. یکی از بندهای بسیار محکم که انسان را در دنیا متوقف می‌کند و از بهره‌ای که باید در زندگی ببرد، باز می‌دارد، گرفتار شدن در رزق است و مسـلّم خداوندی که ما را برای بندگی خلق کرده - و از طرفی گرفتار رزق شدن ما را از بندگی خدا باز می‌دارد- بنا ندارد ما را در زندگی دنیا گرفتار رزقمان کند.

امام علی(ع) می‌فرماینـد: چه بخواهی و چه نخواهی خدا رزق تو را تأمین کرده اسـت و آن رزق به دنبال توسـت تا تو را بیابد و خود را به تو برسـاند، پس به جای این‌که همهٔ زندگی را برای طلب رزق خود قرار دهی، سیر بندگی را مدّ نظر داشته باش. می‌فرمایند: «رِزْقُکَ یَطْلُبُکَ فَارِحْ نَفْسَکَ مِنْ طَلَبِهِ» «روزیِ تو، تو را طلب می‌کند، خود را نسبت به طلب آن در زحمت مینداز». (عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم، ح ۵۴۱۱)

شما به این نکته عنایت کنید که خود خداوند متعال می‌فرماید: من شـما را برای بندگی روی زمین آفریـده‌ام، در حالی که اگر دنیا را خدا طوری خلق کرده باشد که ما اسیر رزق‌مان باشیم، پس عملاً به بندگی خدا نمی‌رسیم و لذا باید رزق ما را از قبل تأمین کرده باشد تا ما دغدغهٔ رزق نداشـته باشیم و به همین جهت اولیای دین دائماً ما را متذکر این نکته می‌کنند که؛ با حرصِ بیشـتر، رزق بیشـتر نصیب شما نمی‌شود، ولـی فرصت بندگی خود را از بین می‌برید. پیامبر خدا(ص) می‌فرمایند: «...اِنَّ الرِّزْقَ لا یَجُرُّهُ حِرْصُ حَریصٍ وَ لا یَصْرِفُهُ کِراهَهُٔ کارِهٍ» «رزق را حرصِ حریصان افزون نکند و تنفر و ممانعت افراد، نقصانش ندهد». (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۹۲۱)

البته اگر انسان مؤمن وظیفه‌اش را نسبت به افراد جامعه درست انجام بدهد و در این رابطه از رزقی که برایش پیش می‌آید اسـتفاده کند، این را نمی‌گویند گرفتار رزق شـدن. این همان بندگی است که در کنار آن رزق مورد نیاز به راحتی می‌رسـد. به عنوان معلّمان درس دینی خدمت حضرت امام خمینی«رحمة‌الله علیه» رفته بودیم، فرمودند: «شما معلّمان بـرای خدا درس بدهید، حقوقتان را هم بگیرید». اگر ما برای خدا درس بدهیم، بالأخره یا آموزش و پرورش به ما حقوق می‌دهد یا از طریق دیگر رزق ما می‌رسـد. شما به من بگویید مگر جز این است که پیغمبران، به صرف عبودیت کار می‌کردند و هیچ کدام هم بی‌رزق نبودند؟ آری؛ گاهی رزقشان تنگ می‌شد و گاهی وسیع. (اصغر طاهرزاده، جایگاه رزق انسان در هستی، ص۷۷)

امام علی(ع) می‌فرمایند: چه بخواهی و چه نخواهی خدا رزق تو را تأمین کرده است و آن رزق به دنبال توست تا تو را بیابد و خود را به تو برساند، پس به جای اینکه همهٔ زندگی را برای طلب رزق خود قرار دهی، سیر بندگی را مدّ نظر داشته باش.

*** اگر انسان مؤمن وظیفه‌اش را نسبت به افراد جامعه درست انجام بدهد و در این رابطه از رزقی که برایش پیش می‌آید استفاده کند، این را نمی‌گویند گرفتار رزق شدن. این همان بندگی است که در کنار آن رزق مورد نیاز به راحتی می‌رسد. به عنوان معلّمان درس دینی خدمت حضرت امام خمینی«رحمة‌الله علیه» رفته بودیم، فرمودند: «شما معلّمان برای خدا درس بدهید، حقوقتان را هم بگیرید».**

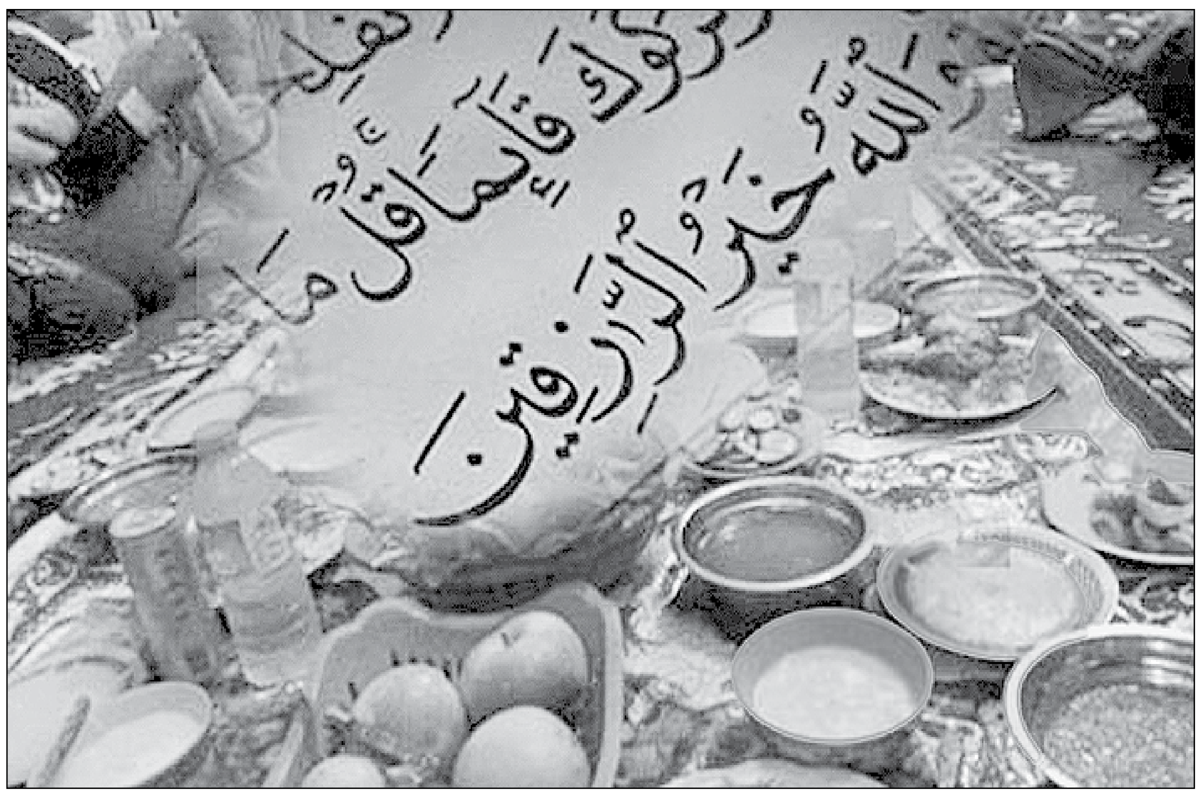

شرایط عذرخواهی

عذرخواهـی زمانـی انجام می‌گیرد که شـخص اشـتباه و خطا وگناهش را پذیرفته باشد و بخواهد برای جبران آن کاری را انجام دهـد. پس در عذرخواهی اموری دخیل اسـت که شامل: ۱-پذیرش اشتباه و خطا و گناه؛ ۲- اقرار و اظهار آن؛ ۳- تلاش و کوشش برای جبران آن می‌شود.

عذرخواهـی زمانی پذیرفته اسـت که کار از کار نگذشـته باشد و بتوان آن اشتباه و خطا و گنـاه را جبران کـرد. به عنوان نمونه کسی که هنوز زنده است، اگـر گناهی کرد و به پیشـگاه خداونـد رفته و عـذر و پوزش خواسـته و توبه و انابه و استغفار کـرد، به طـور طبیعی چون در دنیا می‌توان جبران مافات کرد، عـذرش پذیرفته اسـت؛ اما اگر در شـرایط احتضار و در آستانه مرگ باشـد و همانند فرعون در حال غرق شـدن، دیگر عذرش پذیرفته نیست. خداوند درباره فرعـون می‌فرمایـد: و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم، پس فرعون و سپاهیانش از روی ستم و تجاوز، آنان را دنبال کردند، تا وقتی که در شُرف غرق شدن قرار گرفت، گفـت: «ایمان آوردم که هیچ معبـودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده‌اند، نیست و من از تسلیم‌شدگانم.» آیا اکنون؟ در حالی که پیش از این نافرمانی می‌کردی و از تباهکاران بودی؟ (یونس، آیات ۹۰ و ۹۱)

خداوند در قرآن به یک قاعده کلی درباره عذرخواهی و زمان آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: توبه، نزد خداوند، تنها برای کسـانی اسـت که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به‌زودی توبه می‌کنند؛ اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیـرد و خداونـد دانای حکیم اسـت. و توبه کسانی که گناه می‌کنند، تا وقتی که مرگ یکی از ایشان در رسد، می‌گوید: «اکنون توبه کـردم»، پذیرفته نیسـت؛ و [نیز توبه] کسانی که در حال کفر می‌میرند، پذیرفته نخواهد بود، آنانند که برایشـان عذابی دردناک آمـاده کرده‌ایم. (نساء، آیات ۱۷ و ۱۸)

قرآن در جایی دیگر با اشاره بـه روز قیامت کـه دیگر جایی برای بازگشت و بازسازی و جبران مافات نیسـت، بـه عذرخواهی برخی اشـاره کرده و می‌فرماید: فَیَوْمَئِـذٍ لَّایَنفَعُ الَّذِیـنَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ یُسْتَعْتَبُونَ؛ و در چنین روزی، [دیگر] پوزش آنان که ستم کرده‌اند سود نمی‌بخشد و بازگشـت به سوی حق از آنان خواسته نمی‌شود.(روم، آیه ۵۷)

واژه « یُسْـتَعْتَبُونَ» از ریشه «عتب» گرفته شده است. عتبه به درگاه خانه و هر یک از پله‌های خانه گفته می‌شود. در سابق چون عذرخواهان به درگاه خانه آمده و روی سـکو و پلـه درگاه خانه می‌نشسـتند تا رضایت شخص صاحب‌خانه را بگیرند و این گونه عذرخواهی کننـد، به این عمل استعتاب می‌گفتند. البته عتاب و سـرزنش نیز از همین ریشـه است؛ زیرا راه سخت و پله پله‌ای را عتبـه می‌گفتند و کسـی که سرزنش می‌شـد گویی از پله‌ها و راهی سخت رفته است. به هر حال اسـتعتاب و عذرخواهی و پوزش‌خواهی تا زمانی که بتوان جبران کرد شـدنی است وگرنه شـخص نمی‌تواند با عذرخواهی کاری پیش برد؛ چنانکه در هنگام احتضار و در قیامت چنین چیزی غیرممکن است.

علت‌های چهارگانه در خلقت انسان

در فلسفه از علل چهارگانه سخن به میان آمده که شامل: علـت فاعلی، علت مادی، علت صوری و علت غایی اسـت. این علل در قرآن درباره خلقت انسان به گونه زیر تبیین شده است:

قرآن علـت فاعلی خلقت انسان را خداوند آفریدگار دانسته کـه در مقام پـروردگاری نیز نشسـته و خالق و رب انسـان اسـت: وَاللَّهُ خَلَقَکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ؛ خداوند شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای. (فاطر، آیـه۱۱؛ غافر، آیه ۶۷؛ انسان، آیه۲)

علت مادی را خاک و نطفه برآمده از همین عناصر خاکی دانسـته و فرموده اسـت: فَإِنَّا خَلَقْنَاکُم مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَیْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَیِّنَ لَکُمْ؛ ما شما را از خاک آفریدیم، سـپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سـپس از «مضغه» [= چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل تا برای شما روشن سـازیم [که بر هر چیز قادریم].(حج، آیه ۵؛ و نیز نگاه کنید: یس، آیه ۷۷؛ نحل، آیه ۴؛ کهف، آیه ۳۷؛ مومنون، آیه ۱۳؛ فاطر، آیه ۱۱؛ غافر، آیه ۶۷)

علـت صـوری همـان صورت‌گری اسـت که خداوند در انسـان انجـام داده و قرآن می‌فرماید: هُوَ الَّذِی یُصَوِّرُکُمْ فِی الْأَرْحَامِ کَیْفَ یَشَاءُ؛ او کسی است که شـما را در رحمِ (مادران)، آنچنانکـه می‌خواهـد تصویر می‌کند.(آل عمـران، آیه ۶؛ و نیز نگاه کنیـد: حجر، آیه ۲۹، ص ، آیه ۷۲)

امـا علت غایی که همه این کارها برای آن انجام می‌شود و حکمت خلقت به شمار می‌آید، همان چیزی اسـت که انسان باید بـرای آن تـلاش کند تا وقتی با خداوند ملاقات می‌کند ملاقاتـی بر اسـاس حکمت خلقت انسـان یعنـی عبادت باشد. خداوند درباره علت غایی خلقت انسان می‌فرماید: یَا أَیُّهَا الْإِنسَـانُ إِنَّکَ کَادِحٌ إِلَی رَبِّکَ کَدْحًا فَمُلَاقِیهِ؛ ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد!(انشقاق، آیه۶) و در جایی دیگـر می‌فرماید: وَمَـا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنسَ إِلَّا لِیَعْبُدُونِ؛ من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتـم کنند.(ذاریات، آیـه ۵۶) ولی ایـن عبادت به هدف دستیابی به اقسام تقوای سـه‌گانه عام و خاص و اخص است: یَا أَیُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ وَ الَّذِینَ مِن قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ؛ ای مردم! پروردگار خود را پرستش کنید؛ آن کس که شـما، و کسانی را که پیش از شما بودند آفرید، تا پرهیزکار شوید.(بقره، آیه ۲۱) و این‌گونه است که انسان به سبب تقوا به یقین سـه‌گانه می‌رسد (تکاثر، آیـات ۵ و ۷؛ واقعـه، آیه ۹۵) و در جایـگاه خلافت الهی قرار می‌گیـرد و در کمال به جایی می‌رسد که چیزی برتر از انسان نیست و مسجود همه فرشتگان می‌شـود.(حجر، آیـات ۲۹ و ۳۰؛ ص، آیات ۷۲ و ۷۳)

چراغ راه

تاثیر محبت بر فرد کریم و لئیم

قال‌الامام‌علی(ع):«الکریم یلین اذا استعطف، و اللئیم یقسوا اذا الطف.

امام علی(ع) فرمود: انسان کریم در مهرورزی نرم می‌شود، (و بالعکس) فرد لئیم(پست) از لطف، سخت دل می‌گردد.[1]

۱- تحف‌العقول، ص ۲۰۱

حکایت خوبان

پاسخی شایسته‌تر برای رفتارهای خوب

انس‌بن مالک می‌گوید: یکی از کنیزان امام‌حسن(ع) شاخه گلی را به امام حسن(ع) هدیه داد. امام حسن(ع) آن شاخه را گرفت و به او فرمود: تو را در راه خدا آزاد ساختم.

مـن به آن حضرت عرض کردم: به راسـتی به خاطر هدیه یک گل ناچیز، او را آزاد کردی؟ حضرت فرمود: خداوند ما را در قرآن چنین ادب کرده اسـت. آنجا که می‌فرماید: «و اذا حییتم بتحیه فحیوا باحسن منها اوردوها» (نساء- ۸۶) هنگامی که کسی به شما تحیت گوید، پاسخ او را به طور بهتر یا همان‌گونه بدهید. من می‌خواسـتم پاسخ بهتر که همان آزاد نمودن او است را بدهم.[1]

۱- بحارالانوار، ج۴۳، ص۳۴۳

پرسش و پاسخ

موانع کرامت نفس

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی چه علل و اسبابی موجب می‌شود که کرامت نفس انسان خدشه‌دار شود؟

پاسخ:

کسـی که خواستار حفظ و تقویت کرامت نفس خود است، باید موانع آن را از بین ببرد، و اجازه رشد آنها را در خود ندهد. زیرا با وجود این موانع جایی برای رشد و تقویت صفت کرامت در انسان باقی نمی‌ماند. مهم‌ترین موانع کرامت نفس عبارتند از:

۱- طغیان و سرکشی در برابر خدا

خوی‌سرکشـی و طغیان، با کرامت و بزرگواری ناسازگار است. خدای متعال در سـوره انفطار آیه ۱۰ می‌فرماید: «یا ایها الانسان ما غرک بربک الکریم... و ان علیکم لحافظین کراما کاتبین» ای انسـان چه چیز تو را به پروردگار کریمت مغرور کرد؟... و به درستی که بر شما محافظینی هستند که نویسندگان با کرامتند. کسی در مقابل پروردگار کریم خود مغرور شده و سرکشی می‌کند که از نعمتهای او غافل شده باشد. در حالی که انسان با کرامت در برابر کوچکترین نعمت شکرگزار است. به فرموده امام‌علی(ع): الکریم یشکر القلیل و اللئیم یکفر الجزیل» انسان کریم برای کم، سپاسگزاری می‌کند و لئیم در مقابل بسیار؛ ناسپاس است. (میزان الحکم، ج ۸، ص ۳۶۵)

بنابرایـن غرور و تکبـر در مقابل خدا و طغیان و سرکشـی در برابر نعمت‌های فراوان او، از مهم‌ترین موانع اساسی نیل به کرامت نفس است.

۲- دنیاپرستی

منظور از دنیاپرستی، دلبستگی و وابسته شدن به دنیا و مادیات است. چرا که دنیا خود نیز از مظاهر آیات الهی است و دنیاطلبی در یک حدی برای همه لازم و ضروری است.

قرآن کریم در سوره حدید آیه ۲۰ می‌فرماید: «واعلموا انما الحیاه الدنیا لعب و لهـو و زینه و تفاخر بینکم و تکاثر فی‌الاموال و الاولاد» بدانید که زندگی دنیا بازیچه و بیهودگی و آرایش و فخرفروشـی و افزون‌خواهی در اموال و اولاد است.

بنابراین دنیاپرسـتی و وابسته شـدن به مظاهر مادی دنیا، مانع ورود انسان به مدرسه کرامت الهی می‌شود. غفلت از مرگ انسان را به عالم دنیا و طبیعت علاقمندتر و دلبستگی او بیشتر می‌کند و با این وابستگی‌ها به دنیا که منشأ پست است، انسان به کرامت الهی نخواهد رسید.

قرآن‌کریم در سـوریه اعراف آیه ۱۶۹ می‌فرماید: «یأخذون عرض هذا الادنی» متاع این دنیای پست را گرفتند»

۳- ارتکاب اعمال پست

انسـان طالب کرامت از هر نوع پستی پرهیز می‌کند و اعمال و اخلاق خودرا از هر نوع شائبه‌ای منزه و پاک می‌سازد. زیرا با پستی و دنائت نمی‌توان به مرتبه والای کرامت نفس رسید. علی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «اکرم نفسک عن کل دینه» نفس خود را از هر چیز پستی بزرگ‌دار. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱)

چرا که اعمال و صفات پست، ریشه کرامت را در انسان می‌سوزاند و بدون رهایی از آن نمی‌توان به کرامت نائل شد. به راستی که روحیه جوانمردی و بزرگ‌منشی آدمی در دوری از کارهای پست است: امام‌علی(ع) می‌فرماید: المروه تمنع من کل دینه» روحیه جوانمردی و بزرگ‌منشی انسان را از هر کار پستی منع می‌کند. (غررالحکم و دررالکلم، ص ۷۹)

همچنین از دیگر سـخنان ائمه(ع) به ویژه امام علی(ع) برمی‌آید که دروغ در منش کریمان نیست (غررالحکم، ح ۱۵۰۷) کریمان هرگاه وعده نیک دهند، بدان عمل می‌کنند، اما از تهدید خود در می‌گذرند (همان، ح ۱۵۲۸) کریم هرگز دشنام بر زبان نمی‌آورد. (همان،ح ۹۴۷۸) و از فرومایگان انتقام نمی‌گیرد. (همان، ح ۱۰۷۳۵) ناملایمات را تحمل می‌کند (همان، ص ۵۹۴) و از بزرگترین ویژگی انسان کریم آن است که پیش از اظهار نیاز نیازمندان، در نیکی بدانها پیش‌دستی می‌کند. (همان، ح ۹۷۹)

سلوک عارفانه

کفایت خدا برای آرامش دل سالک

(بدان ای سالک راه حق!) اگر شخصی غنی که به او اطمینان و اعتماد داری، به تو بگوید: «نگران نباش و غصه بدهی‌هایت را نخور، خیالت راحت باشد، من هستم» ببین این حرف او چقدر به تو آرامش می‌بخشد و راحت می‌شوی! خدای مهربان که غنی و تواناست، به تو گفته است: «الیس الله بکاف عبده» آیا خداوند برای کفایت امور بنده‌اش بس نیست؟ یعنی ای بنده من، برای همه کسری و کمبودهای دنیوی و اخروی‌ات من هستم این سـخن خدا (اگر کسی آن را باور قلبی داشته باشد) چقدر انسان را راحت می‌کند و به او آرامش می‌بخشد؟! لذاست که فرمود: «الابذکر الله تطمئن القلوب» دلها با یاد خدا آرامش می‌یابد.[1]

۱- مصباح الهدی، سـخنان حاج محمد اسـماعیل دولابی، مهدی طیب، ص ۱۹

صفحه معارف روزهای: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱